نشریه علمی مطالعات تفسیری
سال ۱۳، تابستان ۱۴۰۱، شماره ۵۰
مقاله علمی ـ پژوهشی
صفحات: ۲۰۴ ـ ۱۸۹

Scientific Journal
Commentary Studies
Vol. 13, Summer, No. 50
Scientific Research Article

تحلیل مقایسه‌ای تفسیر آیات حجاب در تفاسیر الکشاف و المیزان

علی عسکری یزدی*
سید علی‌محمد موسوی**

چکیده

آیات ۳۱ نور، ۵۳ و ۵۹ أحزاب به عنوان آیات حجاب مشهور است. پژوهش حاضر درصدد بررسی روش تفسیر آیات فوق از دیدگاه صاحبان تفاسیر ***الکشاف*** و ***المیزان*** است. بر پایه ترتیب نزول و ظاهر آیات، خدای متعال ابتدا در آیه ۵۳ احزاب به مردان مؤمن دستور می‌دهد که مواجه آنها با همسران پیامبرﷺ «من وراء حجاب» باشد. سپس در آیه ۵۹ از زنان مؤمنه می‌خواهد خود را با «جلباب» بپوشانند، تا مورد آزار نامحرمان قرار نگیرند. سرانجام در آیه ۳۱ نور با ذکر جزئیات مسئله حجاب، حد و حدود آن را ترسیم می‌فرماید. در این میان زمخشری گاهی با استناد به روایات ضعیف، تفسیر غیر قابل قبولی را از آیه مورد بحث ارائه داده است که در هنگام مقایسه نظرهای ایشان با نظرهای علامه طباطبایی و ارزیابی دلایل و مستندات ایشان، برخی نظرهای زمخشری مانند: «سبب نزول آیه ۵۳ احزاب ناراحتی و غیرت خلیفه دوم از رفت‌وآمد مردان اجنبی به منزل پیامبراکرمﷺ است» به‌طور قطع قابل خدشه است. همچنین هر دو مفسر گاهی بدون دلیل، دست از ظاهر آیه برداشته و تفسیری خلاف ظاهر ارائه کرده‌اند.

واژگان کلیدی

آیه ۳۱ نور، آیه ۵۳ و ۵۹ أحزاب، آیات حجاب، حدود حجاب، تفسیر الکشاف، تفسیر المیزان.

---

*. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران. asgariyazdi@ut.ac.ir
**. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی (نویسنده مسئول). musavi245@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۳۰

طرح مسئله

مسئله کیفیت پوشش و حجاب بانوان در جوامع اسلامی، همواره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و چالش برانگیزترین مسائل مطرح بوده است. یکی از بهترین منابع برای پاسخ‌گویی به این مسئله، قرآن کریم است از آنجا که «تبیان لکل شيء» (نحل / ۸۹) است، در مسائلی که مرتبط با هدایت انسان‌هاست؛ از چیزی فروگذار نکرده است. خدای متعال در سیر نزول تدریجی آیات حجاب، ابتدا همسران پیامبرﷺ و سپس همه زنان مؤمن را در برخورد با مردان اجنبی، ملزم به رعایت اموری ازجمله حدود حجاب معین و مشخص، لزوم پنهان کردن زینت «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» (نور / ۳۱) و ... می‌کند. در این میان ضرورت دارد تا تفسیر این آیات از دیدگاه مهم‌ترین مفسران فریقین روشن و مشخص گردد تا با نشان دادن نقاط اشتراک و افتراق و همچنین بررسی دلایل هریک از اقوال، بتوان راه روشنی را برای عمل به این فریضه الهی پیش‌روی مسلمانان نهاد. در این مقاله سعی شده با نگاهی تطبیقی به تفسیر آیات حجاب در دو تفسیر ***الکشاف*** و ***المیزان*** این هدف محقق گردد. یکی از دلایل انتخاب این دو تفسیر این است که تفسیر ***الکشاف*** زمخشری؛ یکی از منابع کیفی و کمی مهم تفسیر ***المیزان*** است. علامه طباطبایی در تفسیر ***المیزان*** که ازجمله کامل‌ترین تفاسیر جهان اسلام در عصر معاصر است، مطالب فراوانی از ***الکشاف*** نقل کرده و در موارد گوناگونی برای تحکیم استدلال‌های لغوی، بلاغی و ... از آن بهره برده است. (حجتی و ربیع نتاج، ۱۳۸۷: ۷۷) همچنین برجستگی و مقبولیت شخصیت علمی و اثر تفسیری هر دو مفسر در جهان اسلام، دلیل دیگری بر این امر است.

بررسی این موضوع که دو مفسر، در تفسیر آیات حجاب، تا چه اندازه به اصول تفسیری پایبند بوده و در عمل، آیات حجاب را بر پایه چه شیوه‌ای تفسیر کرده‌اند و نقاط ضعف و قوت و همچنین نقاط اشتراک و افتراق آنها چه بوده است؛ مسئله پژوهش حاضر است.

مفهوم شناسی

۱. حجاب

حجاب در لغت به معنای مانع، چیزی که بین دو چیز جدایی افکنَد، پوشاندن و پوشش (سِتر) است. (زبیدی، ۱۹۹۴؛ ابن‌منظور، ۱۳۷۵، ذیل واژه حجب) حجاب در کاربرد فقهی و اصطلاح فقیهان، قلمرو کوچکتر و معنای محدودتری دارد و مقصود از آن پوشش ویژه‌ای برای زنان است که مانع و بازدارنده نگاه نامحرمان به ایشان یا مانع انگیزش تمایل جنسی مردان باشد. پیدایش و کاربرد این اصطلاح به جای ستر که در گذشته میان فقیهان معمول بوده، به باور برخی از محققان چون شهید مطهری، پیشینه

چندانی ندارد و یک اصطلاح نسبتاً جدید است. (مطهری، ۱۳۷۸: ۱ / ۴۳۰)

امروزه واژه حجاب در زبان عامه مردم و متون فقهی، به معنای پوشش شرعی زنان به‌کار می‌رود. واژه حجاب، هفت بار در قرآن کریم به معنای مانع و حائل به‌کار رفته است. در آیه ۵۳ سوره احزاب که آیه حجاب خوانده می‌شود، به مردان دستور داده شده با همسران پیامبر از پشت پرده «**مِنْ وَراءِ حجابٍ**» سخن بگویند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶ / ۲۳۷)

۲. جلباب

جلباب از ریشه «ج ل ب» مطابق نظر ابن‌فارس دارای دو اصل است: «جَلَبَ (ج ل ب) **اصلان، احدهما الاتیان بالشي ء من موضع الي موضع و الاخر شيء يغشي شيئاً و من هذا اشتقاق الجلباب**» معنای اوّل آوردن شیء از جایی‌به‌جایی و معنای دوم چیزی که شیء دیگر را می‌پوشاند. جلباب هم از این معنای دوم اشتقاق پیدا کرده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ذیل واژه جلب) جوهری می‌نویسد: «**الجلباب الملحفة**» (جوهری، ۱۴۰۴: ۱ / ۱۰۱)

جلباب از مقنعه بزرگتر و از رداء کوتاهتر است. (فیومی، ۱۴۱۴: ذیل واژه جلباب) فیروز آبادی درباره معنای جلباب می‌نویسد:

> جلباب عبارت است از پیراهن و یک جامه گشاد و بزرگ کوچکتر از ملحفه و یا خود ملحفه (چادر مانند) که زن به‌وسیله آن تمام جامه‌های خویش را می‌پوشد، یا همان چارقد است. (فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۱ / ۱۷۳)

زبیدی نیز معتقد است جلباب، ملحفه و پارچه‌ای است که همه بدن را می‌پوشاند. (زبیدی، ۱۹۹۴: ۱ / ۱۸۶) ابن‌اثیر نیز جلباب را همان عباء می‌داند که سرتاسر بدن را می‌پوشاند و گشاد است. (ابن‌اثیر، ۱۳۶۷: ۱ / ۱۷۳)

آلوسی در ***روح المعانی*** می‌نویسد: جلباب بنابر آنچه از ابن‌عباس نقل شده، لباسی است که از بالا تا پایین بدن را می‌پوشاند. ابن‌جبیر نیز جلباب را همان مقنعه می‌داند و ملحفه نیز گفته شده است. همچنین گفته شده جلباب، لباس رویی است که زن آن را بر روی لباس زیرین «ثیاب» می‌پوشد. (آلوسی، ۱۴۱۵ ق: ۲۲ / ۸۲)

بنابراین مطابق آنچه بیان شد، برخی از مفسران و واژه‌شناسان، در اینکه جلباب به معنای پوشش فراگیر است، اتفاق‌نظر دارند، اما درباره اندازه جلباب دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. با توجه به برخی قرائن می‌توان گفت که جلباب چیزی شبیه چادر امروزی است. چنان‌که درباره پوشش حضرت فاطمه

زهرا﵂ هنگام خروج از منزل و رفتن به مسجد برای دفاع از فدک نقل شده است: مقنعه‌اش «خمار» را بر سر بست و جامه‌ای فراگیر «جلباب» بر تن کرد. (طبرسی، ۱۳۸۶: ۱ / ۹۸)

بر این پایه نظر کسانی که جلباب را به خمار (مقنعه) معنا کرده‌اند، ردّ می‌شود؛ زیرا مشخص شد که جلباب مستقل از خمار است. (مهدی‌زاده، ۱۳۸۵: ۴۵)

۳. خمار

راغب اصفهانی اصل «خمر» را به معنای پوشاندن چیزی می‌داند و به آنچه با آن چیزی را می‌پوشانند، «خمار» می‌گویند. اما در اصطلاح به پارچه‌ای که زن سرش را با آن می‌پوشاند «خمار» گفته می‌شود و جمع آن «خُمُر» است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ذیل ماده خمر)

فیومی نیز معتقد است که خمار به معنای جامه‌ای است که زن، سر خود را با آن می‌پوشاند. (فیومی، ۱۴۱۴: ذیل واژه خمار)

در تفسیر آیه ۳۱ سوره نور در معنای خمار آمده است، خمار در اصل به معنای پوشش است ولی معمولاً به چیزی گفته می‌شود که زنان با آن سر خود را می‌پوشانند، مانند روسری (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۴ / ۴۴۰) در شان نزول آیه ۳۱ سوره نور ذکر گردیده که قبل از نزول این آیه زنان دامنه روسری خود را بر شانه‌ها یا پشت سر می‌افکندند به‌طوری‌که گردن و قسمتی از سینه آنها نمایان بود و موجب می‌گشت که نظر نامحرمان به سوی آنان جلب شود و همین نظرها گاهی مسائلی را به‌دنبال داشت از این‌رو با نزول این آیه شریفه خداوند به زنان دستور می‌دهد که روسری خودر ا بر گریبان خود بیفکنند، تا هم گردن و هم آن قسمت از سینه که بیرون است مستور گردد. (همان)

اما در مورد اینکه آیا مراد از خمار پوشش فقط برای سر است، یا شامل پوشش گردن و سینه نیز می‌شود باید گفت: با توجه به شان نزول آیه ظاهرا خمار پوشش هر سه ناحیه را در بر می‌گیرد، آنچه از ابن‌عباس در ***مجمع البیان*** در تفسیر آیه فوق نقل شده نیز موید این برداشت است: «تغطي شعرها و صدرها و ترائبها و سوالفها؛ یعنی زن (به وسیله خمار) مو و سینه و دور گردن و زیر گلوی خود را بپوشاند». (طبرسی، ۱۳۷۹: ۴ / ۱۳۸)

آیات حجاب به ترتیب نزول

۱. آیه ۵۳ احزاب

وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِن وَرَاءِ حِجَابٍ ذَٰلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ.

نخستین آیه از مجموعه آیاتی که به نام آیات حجاب مشهورند همین آیه است که در ماه ذو القعده

سال پنجم هجری (سال ازدواج پیامبر اسلامﷺ با زینب بنت جحش) نازل شد و به‌واسطه آن به مؤمنان دستور می‌دهد تا حاجت خود با زنان پیامبرﷺ را از پس پرده «من وراء حجاب» مطرح کنند؛ تا دل‌های هردو طرف از وسوسه در امان باشد. نخستین سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا حجاب مورد بحث در آیه از خصائص همسران پیامبرﷺ است یا عمومیت دارد؟ پرسش مهم دیگر این است که سبب نزول آیه چه بوده است؟

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد:

> ضمیر «هن» به همسران رسول خداﷺ بر می‌گردد و درخواست متاع از ایشان، کنایه است از اینکه مردم با ایشان درباره حوائجی که دارند، سوال کنند و معنایش این است که اگر به خاطر حاجتی که برایتان پیش آمده، ناگزیر شدید با یکی از همسران آن جناب صحبت کنید، از پس پرده صحبت کنید، «ذلکم اطهر لقلوبکم و قلوبهن» این جمله مصلحت حکم مزبور را بیان می‌کند و می‌فرماید: برای اینکه وقتی از پشت پرده با ایشان صحبت کنید، دل‌هایتان دچار وسوسه نمی‌شود، درنتیجه این رویه، دل‌هایتان را پاکتر نگه می‌دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶ / ۵۰۶)

بنابراین علامه درخواست متاع از زنان پیامبرﷺ را کنایه از صحبت کردن با ایشان می‌داند. (همان) همچنین مصلحت این دستور را نیز عدم وسوسه مردان ذکر می‌کند. زمخشری نیز مانند علامه، مرجع ضمیر «هن» در عبارت «سالتموهن» را زنان پیامبر اسلامﷺ می‌داند. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۵۵۵)

در مورد سبب نزول این آیه، علامه طباطبایی در بحث روایت، حدیثی را از تفسیر قمي به شرح ذیل نقل می‌کند:

> در تفسیر قمی است که فرمود: اما اینکه خدای عز و جل فرمود: «یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوت النبي الا ان یوذن لکم ...» سبب نزولش این بود که چون رسول خداﷺ با زینب دختر جحش ازدواج کرد و او را دوست می‌داشت، پس ولیمه‌ای درست کرد و اصحابش را به آن ولیمه دعوت کرد و اصحاب بعد از خوردن غذا دوست می‌داشتند بنشینند و با هم گفتگو کنند و آن جناب دلش می‌خواست میهمانان، خانه را برای او و همسرش خلوت کنند، پس خدای عز و جل این آیه را فرستاد که: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! داخل خانه‌های رسول نشوید، مگر بعد از آنکه به شما اجازه داده شود، چون قبلاً بدون اجازه هم داخل می‌شدند و این آیه این کار را منع کرد و نیز گفتگو کردن با همسران آن جناب را بدون پرده و حائل منع نمود. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶ / ۵۱۵)

اما زمخشری راه دیگری را می‌پیماید. ایشان روایتی را نقل می‌کند که مطابق آن خلیفه دوم؛ علاقه فراوانی به حجاب زنان پیامبرﷺ داشته و همیشه این پیشنهاد را به پیامبر می‌داده که فکری به حال نحوه مواجهه همسرانش با مردان نامحرم کند؛ تا این‌که آیه حجاب زنان پیامبرﷺ نازل می‌شود:

> إن عمر رضي اللّه عنه كان يحب ضرب الحجاب عليهن محبه شديده، و كان يذكره كثيرا، و يود أن ينزل فيه، و كان يقول: لو أطاع فيكن ما رأتكن عين، و قال: يا رسول اللّه، يدخل عليك البر و الفاجر، فلو أمرت أمهات المؤمنين بالحجاب، فنزلت .... (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۵۵۶)

البته برخی دیگر از مفسران و صاحب‌نظران اهلِ‌سنت مانند طبری، ابن‌جوزی، ابن‌کثیر، ثعالبی و ... نیز در این زمینه با زمخشری هم عقیده‌اند. (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲: ۲۲ / ۴۹ ـ ۴۸؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۳ / ۵۱۱؛ الثعالبی، ۱۴۱۸: ۴ / ۳۵۶)

ارزیابی

۱. این که علامه درخواست متاع را کنایه از صحبت دانسته به نظر می‌رسد اولاً ادعایی بی‌دلیل است و ثانیاً با ظاهر آیه نمی‌سازد. همچنین شأن نزول یا روایتی که موید برداشت علامه باشد نیز در ذیل آیه یافت نشد. بعید به نظر می‌رسد که آیه بخواهد صرف صحبت کردن مرد اجنبی با زنان پیامبرﷺ را مشروط به صحبت از پس پرده کند، چراکه در این صورت با توجه به عمومیت آیه، این شرط مختص زمان و مکان خاصی نمی‌باشد و در نتیجه زنان پیامبرﷺ، به طریق اولی حق حضور در اجتماع و ... را نیز نخواهند داشت، زیرا به‌طور قطع مفسده این امور بیش از صرف صحبت کردن با نامحرم است و این خلاف سیره همسران پیامبر اسلامﷺ و دیگر زنان مسلمان (مواردی مانند حضور زنان مسلمان در ***حجة‌الوداع***، زنان راوی حدیث نبوی، حضور زنان در پشت جبهه برای پرستاری و ...) است. در ***الکافی*** روایتی با این مضمون آمده است که همسایگان پیامبرﷺ برای عاریه گرفتن (نه صرف صحبت کردن) بعضی چیزها نزد همسران آن حضرت می‌آمدند و این آیه برای حفظ حیثیت آنان نازل شد. (کلینی، ۱۳۶۹: ۵ / ۵۲۸)

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در این زمینه معتقدند که این امر در میان اعراب و بسیاری مردم دیگر معمول بوده و هست که به هنگام نیاز به بعضی از وسائل زندگی موقتاً آن را از همسایه به عاریت می‌گرفتند، خانه پیامبرﷺ نیز از این قانون مستثنا نبود و گاه چیزی را از همسران پیامبرﷺ به عاریت می‌خواستند، روشن است قرار گرفتن همسران پیامبر در معرض دید مردم (هر چند با حجاب اسلامی باشد) کار خوبی نبود از این‌رو دستور داده شد که از پشت پرده یا پشت در بگیرند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۷ / ۴۰۰)

۲. علامه طباطبایی حکمت این فرمان را عدم وسوسه شدن مردان (به تنهایی) می‌داند و این

فرمایش نیز خلاف ظاهر آیه است؛ زیرا آیه به صراحت اشاره می‌کند که این کار برای هر دو گروه (زنان و مردان) بهتر و به طهارت نزدیکتر است.

۳. این مطلب که سبب نزول آیه را علاقه عمر بن خطاب به حجاب زنان پیامبر بدانیم ظاهراً خالی از تعصب نیست و حداقل دو اشکال به آن وارد است:

الف) در این صورت لازم است ما خلیفه دوم را باغیرت‌تر از پیامبر بدانیم؛ زیرا چنان‌که زمخشری می‌نویسد: عمر بارها حساسیت و ناراحتی خود را از رفت و آمد مردان اجنبی به منزل پیامبرﷺ و برخورد مستقیم ایشان با همسران پیامبرﷺ ابراز داشته، اما خود پیامبرﷺ (نعوذ بالله) حساسیتی نسبت به این موضوع نداشته یا حداقل حساسیت ایشان به اندازه عمر نبوده است! این مطلب، ادعایی است که به نظر می‌رسد هر مسلمانی (اعم از شیعه و سنی) با اندکی تامل به غیر منصفانه بودن آن پی می‌برد.

ب) مطلب دیگر این‌که طبق بررسی صورت گرفته، ظاهراً ایشان در درستی و سستی سند روایات مربوط به اسباب نزول، توجه جدی از خود نشان نمی‌داده، به همین دلیل در موارد فراوان به روایات ضعیف و حتی معارض استناد کرده است. (هاشمی، ۱۳۷۴: ۱۸۳) بنابراین با توجه به اشکال اول (ضعف محتوا) بعید نیست که در مورد این روایت نیز مرتکب چنین خطایی شده باشد.

۴. همان‌طور که نشان داده شد مطابق بیان هر دو مفسر، دستور مواجهه از پس پرده در آیه فوق مختص زنان پیامبرﷺ است و در مورد بقیه زنان، چنین امری واجب نیست، هرچند به نظر می‌رسد جواز چنین امری در برخی موارد شایسته باشد و تا جایی که ضرورت اقتضاء ندارد، زنان مومنه مواجهه مستقیم با نامحرم نداشته باشند.

۵. طبری در مورد فلسفه چنین دستوری در خصوص زنان پیامبرﷺ معتقد است محدودیت تعامل بین همسران پیامبر و مؤمنان و پیروان پیامبر، ضمانتی برای سلامت اخلاقی همه آنهاست؛ زیرا در این شکل رابطه؛ یعنی با وجود حائل، پرده و حجاب، هم مردان نامحرم از خطر لغزش باز می‌مانند و هم تضمینی برای سلامت اخلاقی همسران پیامبر اسلامﷺ است و آنها از تهمت‌های احتمالی مصونیت پیدا می‌کنند. به همین دلیل از طرف خداوند حکم حجاب برای زنان وضع گردید و همه آنها موظف شدند، خود را در مقابل نامحرمان بپوشانند. (حسامی، ۱۳۸۲: ۴۳)

۲. آیه ۵۹ احزاب

یا أَیهَا النَّبِي قُل لِّأَزْوَاجِک وَ بَنَاتِک وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِینَ یدْنِینَ عَلَیهِنَّ مِن جَلَابِیبِهِنَّ ذَلِک أَدْنَي أَن یعْرَفْنَ فَلَا یؤْذَینَ وکانَ اللَّهُ غَفُوراً رَّحِیمًا.

خدای متعال در این آیه به پیامبرش دستور می‌دهد تا به همسران و دخترانش و همچنین زنان افراد مومن بگوید تا خود را با جلباب بپوشانند. در اینجا این سوال مطرح می‌شود که مقصود از جلباب چیست و چنین دستوری از دیدگاه قرآن، چه حکمت و مصلحتی دارد؟

علامه طباطبایی جلباب را جامه‌ای سراسری می‌داند که تمام بدن را می‌پوشاند یا روسری مخصوصی است که فقط سر و صورت را می‌پوشاند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶ / ۵۱۰) زمخشری نیز دو تعریف از جلباب ارائه می‌دهد:

۱. جامه‌ای (پیراهن یا لباس گشادی) است از چارقد بزرگتر و از عباء کوچکتر که زن به‌وسیله آن سر و سینه خود را می‌پوشاند

۲. به نقل از ابن‌عباس: ردایی (یا عبایی) است که از سر تا پا را می‌پوشاند. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۵۵۹)

ممکن است در اینجا گفته شود که بنا بر ظاهر بیانات هر دو مفسر، می‌توان چنین نتیجه گرفت که جلباب در حد چادر نخواهد بود. هرچند این اشکال تا حد زیادی متوجه هر دو مفسر است که چرا تعیین تکلیف نکرده و معنای صحیح‌تر را مشخص نکرده‌اند، اما با توجه به معنای اولی که علامه بیان می‌کند (علامه جلباب را جامه‌ای سراسری می‌داند که تمام بدن را می‌پوشاند) و معنای دومی که زمخشری از ابن‌عباس نقل می‌کند: (الرداء الذي يستر من فوق الي اسفل) و همچنین آنچه در قسمت مفهوم‌شناسی این مقاله در جمع میان آراء مفسران و اهل لغت ذکر گردید، به نظر می‌رسد معنای صحیح‌تر، چیزی شبیه چادر امروزی باشد.

در مورد حکمت و مصلحت این دستور الهی میان دو مفسر اختلاف نظر وجود دارد. علامه معتقد است این کار زنان موجب می‌شود تا آنها به‌عنوان زنانی عفیف و صالح شناخته شوند و در نتیجه مورد اذیت و آزار اهل فسق و فجور قرار نگیرند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶ / ۵۱۰) اما زمخشری ثمره این کار را تشخیص زنان کنیز از زنان آزاد به‌وسیله متعرضین می‌داند، تا دیگر بهانه‌ای برای نشناختن زنان آزاد نداشته باشند و بتوانند از طریق حجاب، ایشان را بشناسند. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۵۶۰) هرچند به نظر می‌رسد با وجود اختلاف در تعابیر، هر دو بیان نتیجه یکسانی خواهند داشت.

صاحب ***الکشاف*** در مورد حرف «من» در عبارت «من جلابیبهن» نیز پس از این‌که آن را برای تبعیض می‌داند، دو احتمال ذکر می‌کند: ۱. زنان آزاد دو جلباب داشته‌اند و آیه از آنها خواسته که (حداقل) با یکی از آن دو خود را بپوشانند. (یتجلببن ببعض ما لهن من الجلابیب) ۲. زن آزاد مقداری (بعضی) از لباس (جلباب) خود را شل کند و آن را روی صورتش بیندازد تا بدین وسیله از کنیز متمایز شود. (همان)

ارزیابی

۱. در آن زمان معمول بوده است که کنیزان بدون پوشیدن سر و گردن از منزل بیرون می‌آمدند و از آنجا که از نظر اخلاقی وضع خوبی نداشتند گاهی بعضی از جوانان هرزه مزاحم آنها می‌شدند، در اینجا به زنان آزاد مسلمان دستور داده شد که حجاب اسلامی را کاملا رعایت کنند تا از کنیزان شناخته شوند و بهانه‌ای برای مزاحمت به‌دست هرزگان ندهند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۷ / ۴۲۷)

آیت‌الله جوادی آملی در این زمینه می‌نویسد: «قرآن کریم وقتی مسئله لزوم حجاب را بازگو می‌کند، علت و فلسفه ضرورت حجاب را چنین بیان می‌فرماید: «ذلک أدني أن یعرفن فلا یؤذین؛ یعنی برای این‌که شناخته شوند و مورد اذیت واقع‌نگردند.» چراکه آنان تجسم حرمت و عفاف جامعه هستند و حرمت دارند» (جوادی آملی، ۱۳۹۲: تقریرات درس تفسیر معظم له ذیل آیه)

از ظاهر کلام آیت‌الله مکارم شیرازی چنین به نظر می‌رسد که آنچه دو مفسر در مورد حکمت دستور به استفاده از جلباب بیان داشته‌اند، منافاتی با هم نداشته و قابل جمع‌اند. به این معنا که اگرچه پوشش کامل زنان آزاد موجب شناخته شدن آنان و در نتیجه مورد آزار قرار نگرفتنشان می‌شد، اما به‌طور قطع مفهوم این سخن آن نیست که اوباش حق ایجاد مزاحمت برای کنیزان را داشته باشند، بلکه قرآن کریم می‌خواهد افراد فاسد بهانه‌ای برای این کارها نداشته باشند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۷ / ۴۲۷) البته ظاهراً این کلام نیز خالی از خدشه نیست؛ زیرا شناخته شدن به‌عنوان زنان آزاد، غیر از شناخته شدن به‌عنوان زنان عفیف است. همچنین از نظر آیت‌الله مکارم شیرازی، هدف دیگر از این حکم الهی این است که زنان مسلمان در پوشیدن حجاب سهل‌انگار و بی‌اعتنا نباشند؛ مثل بعضی از زنان بی‌بند و بار که در عین داشتن حجاب آنچنان بی‌پروا و لاابالی هستند که غالباً قسمت‌هایی از بدن‌های آنان نمایان است و همین امر توجه افراد هرزه را به آنها جلب می‌کند. (همان)

شهید مطهری در جمع‌بندی این مطالب می‌نویسد:

> اما مطلب دوم؛ یعنی بحث در علتی که برای این دستور ذکر شده است: مفسران گفته‌اند: به زنان آزاد دستور داده شد که بدون جلباب؛ یعنی در حقیقت بدون لباس کامل از خانه خارج نشوند تا کاملاً از کنیزان تشخیص داده شوند و مورد مزاحمت و اذیت قرار نگیرند. بیان مذکور خالی از ایراد نیست؛ زیرا چنین می‌فهماند که مزاحمت نسبت به کنیزان مانعی ندارد و منافقین آن را به‌عنوان عذری مقبول برای خود ذکر می‌کرده‌اند، در حالی که چنین نیست. احتمال دیگری که در معنای این جمله داده شده این است که وقتی زن پوشیده و سنگین از خانه بیرون رود و جانب عفاف و پاکدامنی را رعایت کند، افراد فاسد و مزاحم، جرأت نمی‌کنند متعرض آنها شوند. بنا به

احتمال اول، معنای جمله: «ذلک ادني ان یعرفن فلا یؤذین» این است که بدین‌وسیله شناخته می‌شوند که آزادند نه کنیز، پس مورد آزار و تعقیب جوانان قرار نمی‌گیرند. ولی بنا به احتمال دوم معنای جمله این است که بدین‌وسیله شناخته می‌شوند که زنان نجیب و عفیف می‌باشند و بیماردلان از اینکه به آنها طمع ببندند چشم می‌پوشند؛ زیرا معلوم می‌شود اینجا حریم عفاف است، چشم طمع کور و دست خیانت کوتاه است. (مطهری، ۱۳۹۲: ۱۶۱)

شاید در اینجا پرسشی مطرح شود و آن اینکه اگر این فایده (اذیت نشدن) به‌واسطه حجاب بهتر و محکم‌تر حاصل نشود یا حتی به عکس، بیشتر موجب آزار و متلک شنیدن شود، آیا اجرای آن منتفی می‌شود؟ در پاسخ باید گفت: علّت حکم را نباید با حکمت و فلسفه آن خلط کرد، به‌عنوان مثال علّت قصر نماز مسافر، نفس سفر است ـ با شرایط مخصوص ـ امّا حکمت و مصلحت آن، مثلاً رفع مشقّت و زحمت سفر است. حال اگر سفر برای بعضی هیچ زحمت و مشقّتی نداشته باشد و حتّی با وسائل مخصوص امروزی راحت‌تر از منزل و وطن شخص باشد، باز نماز قصر است؛ چراکه علّت آن به قوت خود باقی است و حکم دائر مدار علّت خود است در آیه مذکور نیز یکی از حکمت‌ها و فلسفه‌های حکم حجاب بیان شده است، نه علت حکم که در آیه ۳۱ سوره نور فلاح و رستگاری بیان گردیده است.

۲. این احتمال که زنان آزاد دو جلباب داشته باشند بعید به نظر می‌رسد و ظاهراً ادعایی بی‌دلیل است؛ چون اگر این طور بود اولاً نیازی نبود لفظ مثنی «جلبابان» به‌صورت جمع (جلابیب) ذکر شود و ثانیاً در آیات دیگر و روایات و سیره معصومان علیهم‌السلام نیز مویدی برای آن ذکر نشده است. در نتیجه مفسر بدون دلیل دست از ظاهر آیه برداشته و این احتمال را مطرح کرده است.

۳. آیه ۳۱ نور

وَ قُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ یغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِ هِنَّ وَ یحْفَظْنَ فُرُ وجَهُنَّ وَ لَایبْدِینَ زِینَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لْیضْرِبْنَ بِخُمُرِ هِنَّ عَلَي جُیوبِهِنَّ وَ لَایبْدِینَ زِینَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ ... وَ لَایضْرِ بْنَ بِأَرْ جُلِهِنَّ لِیعْلَمَ مَا یخْفِینَ مِن زِینَتِهِنَّ وَ تُوبُوا إِلَي اللهِ جَمِیعًا أَیهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّکمْ تُفْلِحُونَ.

آخرین آیه از آیات حجاب، به پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله دستور می‌دهد، به تمام زنان مومن امر کند تا اولاً چشمان و فروج خود را از ناپاکی حفظ کنند و ثانیاً زینت‌های خود را جز برای محارم (و برخی گروه‌های استثناء شده دیگر در آیه) آشکار نکنند و ثالثاً به‌وسیله «خمار» و «جیوب» خود را بپوشانند. در این قسمت چند سوال مطرح می‌شود؛ که مهم‌ترین آنها ـ که معرکه آراء مفسران بوده ـ این است: مراد از زینت و پوشاندن آن چیست؟

در ***المیزان*** در مورد شأن نزول آیه چنین آمده است:

> در ***الکافی*** به سند خود از سعد الاسکاف از ابوجعفر(ع) روایت کرده که فرمود: جوانی از انصار در کوچه‌های مدینه به زنی برخورد که می‌آمد ـ و در آن ایام زنان مقنعه خود را پشت گوش می‌انداختند ـ وقتی زن از او گذشت او را تعقیب کرد و از پشت او را می‌نگریست، تا داخل کوچه تنگی که امام آن را «زقه بنی فلان» نامید، شد و در آنجا استخوان یا شیشه‌ای که در دیوار بود به‌صورت مرد گیر کرده آن را شکافت، همین که زن از نظرش غایب شد متوجه گردید که خون به سینه و لباسش می‌ریزد، با خود گفت: به خدا سوگند نزد رسول خدا(ص) می‌شوم و جریان را به او خبر می‌دهم. سپس فرمود: جوان نزد آن جناب شد و رسول خدا(ص) چون او را دید پرسید چه شده ؟ جوان جریان را گفت: پس جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۱۶۰)

در ابتدا لازم به ذکر است که بسیاری از فقها و مفسران، «غض» را به‌معنای چشم بستن و نگاه نکردن دانسته‌اند. (محلاتی، ۱۳۸۶: ۶۷؛ ر. ک: راوندی، ۱۴۰۵: ۲ / ۱۲۷؛ مقداد سیوری، ۱۴۱۹: ۲ / ۲۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۱۱۰)

علامه طباطبایی لفظ «قل» در آیه شریفه را امر و دستور تلقی می‌کند و معتقد است آیه در صدد تحریم نگاه زن اجنبی به مردان و به عکس است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۱۵۵) ایشان لفظ «فرج» در آیه را کنایه از عورت می‌داند و با استناد به روایت امام صادق(ع) حفظ فرج در این آیه را استثنائاً به معنای پوشاندن عورت از اجنبی (چه زن و چه مرد) می‌داند نه دوری از لواط و زنا. (کلینی، ۱۳۶۹: ۲ / ۳۶)

در این‌که مراد از پوشاندن زینت چیست؟ هر دو مفسر معتقدند مقصود پوشاندن محل و مواضع زینت است و اظهار خود زینت، حرام نیست. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۱۵۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۲۳۰) صاحب ***الکشاف*** علت این‌که آیه به جای محل زینت از خود زینت یاد کرده را مبالغه در مصون داشتن و حفظ پوشش زنان می‌داند و سپس این چنین نتیجه می‌گیرد که اگر آیه نگاه به محلی (عضوی) که با زینت پوشیده شده را جایز نمی‌داند، نگاه به آن عضو بدون زینت به طریق اولی جایز نیست. (همان) زمخشری علت تقدم غض الابصار بر حفظ الفروج را نیز این می‌داند که غالباً عمل زنا و بسیاری از کارهای بد دیگر، با نگریستن آغاز می‌شود. (پس احتمالا ایشان آیه را در راستای پیشگیری از زنا می‌داند) (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۲۳۰) در مورد عبارت «الا ماظهر منها» نیز آن را منحصر در مواردی می‌داند که به حکم عادت و آفرینش، از آشکار ساختن آنها گریزی نیست. (همان: ۳ / ۲۳۱)

عین عبارت صاحب ***الکشاف*** چنین است:

زینت عبارت است از چیزهایی که زن خود را بدان‌ها می‌آراید، از قبیل: طلاآلات، سرمه، خضاب. زینت‌های آشکار، از قبیل: انگشتر، حلقه، سرمه و خضاب مانعی نیست که آشکار شود، اما زینت‌های پنهان از قبیل دست برنجن، پای برنجن، بازوبند، گردنبند، تاج، کمربند، گوشواره باید پوشانیده شود. مگر از عده‌ای که در خود آیه استثنا شده‌اند. هرچند در آیه، پوشانیدن خود زینت‌های باطنه مطرح شده است نه محل‌های آنها از بدن اما این به خاطر مبالغه در لزوم پوشانیدن آن قسمت‌هایی از بدن است، از قبیل: ذراع، ساق پا، بازو، گردن، سر، سینه، گوش ... . (همان)

فخر رازی نیز درباره زینت می‌نویسد: بدان زینت نامی است برای زیبایی‌های مخلوق که خداوند آفریده و همین‌طور به آنچه انسان به‌وسیله آن آراسته و مزین می‌شود، مثل لباس و ... اطلاق می‌شود. (رازی، ۱۴۲۰: ۲۳ / ۲۰۵)

ارزیابی

۱. ظاهراً قیاس اولویتی که زمخشری بیان نموده، صحیح نیست؛ زیرا قیاس اولویت، قیاسی است که در آن از راه اقوی و اشد بودن وجود علت (مناط حکم اصل) در فرع، حکم اصل به فرع سرایت داده می‌شود و حکم آن استنباط می‌گردد. بنابراین، در مواردی که علت حکم اصل در فرع به صورتی قوی‌تر از اصل موجود باشد، حکم اصل نیز به طریق اولی بر فرع بار شده و به آن سرایت می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸: ۲ / ۵۱۹) برای مثال، در آیه «**لا تقل لهما اف**» از اف گفتن به پدر و مادر نهی شده و از آنجا که ملاک و علت این نهی، بی‌احترامی و ایذا است که در اف گفتن وجود دارد، دلالت آن بر زدن آنها، قوی‌تر است؛ زیرا در زدن، ایذای بیشتری است؛ یعنی علت حکم که همان ایذا باشد در زدن، به‌صورت قوی‌تری وجود دارد.

شرط تحقق این قیاس دو امر است:

الف) حکم در اصل و فرع از یک سنخ باشد؛ برای مثال، اگر حکم در اصل، وجوب است، در فرع نیز وجوب باشد و اگر حرمت است، در فرع نیز چنین باشد و از نظر ایجاب و سلب نیز یکسان باشند.

ب) ملاک حکم در فرع از ملاک حکم در اصل، اقوی باشد. (زحیلی، ۱۴۲۲: ۱ / ۷۰۲)

اما در اینجا شرط دوم محقق نیست؛ زیرا ظاهر آیه دستور به پوشش زینت (محل زینت به همراه زینت) برای جلوگیری از وسوسه و چشم‌چرانی مردان است و معلوم نیست که محل زینت بدون خود زینت، چنین جاذبه‌ای داشته باشد؛ چه برسد به این‌که اقوی باشد.

۲. اینکه مقصود از زینت را محل زینت بدانیم خلاف ظاهر آیه و روایات وارد شده ذیل آیه است؛ زیرا

آیه به صراحت دستور به پوشاندن زینت داده است. (نه محل زینت، هرچند این دو گاهی همراه هم هستند) در روایات نیز زینت باطن به قلاده، گردنبند، دملج (بازوبند) و خلخال (پابند) تفسیر شده و چون مصادیق زینت ظاهر در روایات اموری مانند: انگشتر، سرمه و ... دانسته شده است (در تفسیر الا ما ظهر منها) پس دانسته می‌شود که مقصود از زینت باطن که امر به پوشیدن آنها شده نیز خود زینت‌هاست نه محل آنها. ثمره این بحث این است که زنان حق ندارند زینت‌هایی را که معمولاً پنهانی است آشکار سازند، هرچند اندامشان (محل زینت) نمایان نشود؛ مانند لباس زینتی مخصوصی که در زیر لباس عادی یا چادر می‌پوشند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۷ / ۴۲۶)

همچنین اینکه بگوییم مراد از زینت، خود نفس و بدن است؛ خلاف استعمال این کلمه در آیات دیگر قرآن است و آیاتی مانند «**خذوا زینتکم عند کل مسجد**» قرینه بر این مسئله است.

نتیجه

در این مقاله، پس از مقایسه و ارزیابی نظرات علامه طباطبایی و زمخشری، نتایج ذیل حاصل گردید:

۱. علامه طباطبایی در موارد متعددی در تفسیر خود از نظرات زمخشری استفاده کرده و در اغلب موارد نیز نظرات ایشان را تایید کرده است.

۲. در تفسیر آیه ۵۳ سوره احزاب، اشکال‌هایی در نحوه تفسیر هر دو مفسر به نظر می‌آید که اهم آنها، تفسیر برخلاف ظاهر آیه و نیز استفاده از روایت ضعیف (از نظر سند و محتوا) در بیان سبب نزول آیه است. روایت زمخشری که می‌خواهد بر پایه آن، علاقه بیش از حد خلیفه دوم به پرده‌پوشی زنان پیامبر را نشان دهد اولاً با مفسده‌ای خطرناک مواجه است و آن این که نعوذ بالله باید ایشان باغیرت‌تر از پیامبر باشد. (ضعف محتوایی) و ثانیاً طبق پژوهش انجام شده بعید نیست که ضعف سندی نیز به آن وارد باشد.

۳. در تفسیر آیه ۵۹ سوره احزاب تلاش شد از باب قاعده «**الجمع مهما امکن اولي من الطرح**» نظر دو مفسر جمع گردد. امر به لزوم پوشش زنان مومن آزاد، همانطور که با گرفتن بهانه از دست اوباش و متجاوزان، باعث عدم آزار ایشان (زنان آزاد) می‌شود، در عین حال جواز آزار کنیزان را نیز برای اوباش صادر نمی‌کند. (اثبات شیء نفی ما عدا نمی‌کند) همچنین احتمالی که زمخشری در توجیه حرف «من بعضیه» بیان کرد به‌دلیل دست کشیدن از ظاهر آیه مورد پذیرش نیست؛ زیرا ایشان بدون دلیل از لفظ جمع «جلابیب»، اراده مثنی «جلبابان» کرده است.

۴. در مورد آیه ۳۱ سوره نور نشان داده شد که استفاده زمخشری از قیاس اولویت، در اینجا صحیح نیست؛ زیرا ظاهر آیه دستور به پوشش زینت (محل زینت به همراه زینت) برای جلوگیری از وسوسه و

چشم‌چرانی مردان است و معلوم نیست که محل زینت بدون خود زینت، چنین جاذبه‌ای داشته باشد؛ چه برسد به این‌که اقوی باشد. همچنین با توجه به ظاهر آیه و با کمک گرفتن از روایات ذیل آن مشخص گردید که مراد از زینت در این آیه، محل زینت نیست، بلکه خود زینت است (زینت باطن) و ثمره این امر نیز وجوب پوشاندن اموری مانند لباس‌های زینتی، از نامحرمان است.

منابع و مآخذ

الف) کتاب‌ها

- ***قرآن کریم***.
- آلوسی، سید محمود، ١٤١٥ ق، ***روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی***، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن‌اثیر، مبارک بن محمد، ١٣٦٧، ***النهایة فی غریب الحدیث و الأثر***، قم، اسماعیلیان.
- ابن‌فارس، احمد، ١٤٠٤ ق، ***معجم مقاییس اللغة***، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر، ١٤١٩ ق، ***تفسیر القرآن العظیم***، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم، ١٣٧٥ ق، ***لسان العرب***، بیروت، دار الفکر.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، ١٤١٨ ق، ***جواهر الحسان فی تفسیر القرآن***، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ١٤٠٤ ق، ***الصحاح؛ تاج اللغة و صحاح العربیة***، بیروت، دار العلم للملایین.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ١٤٢٠ ق، ***التفسیر الکبیر***، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ١٤١٢ ق، ***المفردات فی غریب القرآن***، بیروت، الدار الشامیة.
- الزبیدی، مرتضی، ١٩٩٤ م، ***تاج العروس فی جواهر القاموس***، بیروت، دار الفکر.
- زحیلی، وهبه، ١٤٢٢ ق، ***اصول الفقه الاسلامی***، بیروت، دار الفکر.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ١٤٠٧ ق، ***الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التاویل***، بیروت، دار الکتب العربی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ١٣٧٤ ش، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، احمد بن علی، ١٣٨٦ ق، ***الإحتجاج علی أهل اللّجاج***، بیروت، دار النعمان.
- طبرسی، فضل بن حسن، ١٣٧٩ ق، ***مجمع البیان لعلوم القرآن***، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- طبری، محمد بن جریر، ١٤١٢ ق، ***جامع‌البیان فی تفسیر القرآن***، بیروت، دار المعرفة.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ١٤١٥ ق، ***القاموس المحیط***، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- فیومی، احمد بن محمد، ١٤١٤ ق، ***المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی***، قم، دار الهجرة.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۹، ***الکافی***، بیروت، دار التعارف.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، ***مجموعه آثار***، تهران، صدرا.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۹۲، ***مسئله حجاب***، تهران، صدرا.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۹۷، ***خدمات متقابل اسلام و ایران***، ویرایش سوم، تهران، صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱ ش، ***تفسیر نمونه***، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
- مکارم شیرازی، ناصر، ١٤٢٨ ق، ***انوار الاصول***، قم، مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام.

ب) مقاله‌ها

- حجتی، سید محمدباقر و سید علی‌اکبر ربیع نتاج، ۱۳۸۷ ش، «جایگاه تفسیر کشاف در تفسیر المیزان»، ***شیعه‌شناسی***، ش ۲۲، ص ١٠٦ ـ ۷۷، قم، مؤسسه شیعه‌شناسی.
- حسامی، فاضل، ۱۳۸۲ ش، «تحریف حقایق در یک کتاب؛ بررسی انحرافات تاریخی و اعتقادی، «زنان پرده‌نشین و نخبگان جوش پوش»، ***مطالعات راهبردی زنان***، ش ۲۰، ص ۳۰۸ ـ ۲۸۹، تهران، شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده.
- حسینی‌نیا، محمدرضا، ۱۳۹۷ ش، «بررسی تطبیقی تفسیر کشاف و المیزان با توجه به قاعده ویژگی‌های مخاطب»، ***مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث***، ش ۱۰، ص ۸۲ ـ ٦٥، قم، جامعة المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله العالمیة.
- سروش محلاتی، محمد، ۱۳۸۷ ش، «نگاهی به یک قاعده و دو استثناء در موضوع حجاب»، ***مطالعات قرآنی‌نامه جامعه***، ش ٤٤ ـ ٤٣، ص ٦٢ ـ ٥٨، قم، جامعة الزهرا علیهاالسلام.
- مهدی‌زاده، حسین، ۱۳۸۵ ش، «همگونی جلباب قرآنی و چادر مشکی»، ***پیام زن***، ش ۱۷۷، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- هاشمی، سید حسین، ١٣٧٤ ش، «اسباب نزول در تفسیر کشاف»، ***پژوهش‌های قرآنی***، ش ۲، ص ۲۰٤ ـ ۱۸۳، مشهد، دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی.